

مقدمه

درایة الحدیث از جمله دانشهایی است که در راستای سامانمند کردن شناخت حدیث در قرون اولیه شکل گرفته است و اولین نگاهشته مستقل در این موضوع به قرن چهارم باز می‌گردد. از آن زمان تاکنون مجموعه‌های مختلفی در شیعه و اهل سنت در این دانش، تدوین شده است. مجموعه حاضر تلاشی است در راستای ارائه سامانمند مباحث این دانش، بر مبنای دیدگاههای عالمان شیعه و اهل سنت. به منظور استفاده بهتر از این کتاب لازم است مشخصات آن با توجه به مخاطب، منابع و شیوه ارائه آن توضیح داده شود:

الف) مخاطب. این مجموعه در اصل برای استفاده دانشجویان و علاقه‌مندان به این موضوع تدوین شده است؛ لذا تلاش شده تا حد امکان از طرح مباحث اختلافی پرهیز شود و مطالب، تحت عناوین ثابتی طبقه‌بندی شوند.

ب) منابع. در تدوین این اثر از منابع اصلی اهل سنت: مقدمه ابن صلاح، شرح نخبة الفكر ابن حجر، فتح المغیث سخاوی و تدریب الراوی سیوطی استفاده شده است. از معرفه علوم الحدیث حاکم و الکفایه خطیب بغدادی از آن رو که موضوعات کلاسیک این دانش را به شکل امروزی آن، کمتر دربر دارند، به صورت محدود استفاده شده است. از کتابهای متأخران، سه کتاب از صاحب‌نظران این فن در دوره معاصر، منهج النقد از عتر، علوم الحدیث و مصطلحه از صبحی صالح و تیسیر مصطلح الحدیث از طحان مورد مراجعه قرار گرفته است. از میان کتابهای درایه در شیعه، کتاب الرعایه شهید ثانی، وصول الاخیار حسین بن عبدالصمد (والد شیخ بهایی) و جیزه شیخ بهایی کتابهای اصلی و مبنایی در این موضوع اند. الرواشح السماویه میرداماد نیز به دلیل دیدگاههای خاص مؤلف آن در خور تأمل است. در کنار این چهار کتاب، از مقباس الهدایه و مستدرک آن به دلیل جامعیت، از النهایه سید حسن صدر به دلیل دربر گرفتن توضیحات مفید و اصول الحدیث فضلی و اصول الحدیث و احکامه سبحانی که از کتابهای متأخران شیعه در این موضوع است، نیز استفاده شده است.¹ در کنار این کتابها که منبع اولیه بحث بوده‌اند، با توجه به ضرورت یا پیچیدگی بحث به منابع دیگر هم مراجعه شده است.

ج) شیوه ارائه مطالب. در بخش اصلی کتاب که به بیان تقسیمات مختلف حدیث اختصاص دارد، نکات زیر تا حد امکان رعایت شده است:

1. طبقه‌بندی احادیث بر مبنای ویژگیهای مشترک

در درایه، به موضوعات مختلفی پرداخته می‌شود: طرق تحمل حدیث، آداب نقل آن، ویژگیهای راوی و غیره. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در این دانش مطرح می‌شود، اقسام حدیث است؛ اقسامی نظیر صحیح، حسن، موثق، مرسل، غریب، مصحف، و شاذ. در نگاهشته‌های مختلف این اقسام به شیوه‌های مختلفی ارائه شده‌اند:

شیوه اول: در برخی کتابها، بدون رعایت نظم معینی، این اقسام به صورت تکی یا در کنار نظایرشان یکی

¹ در بحث از تاریخچه به اجمال به معرفی برخی از این کتابها پرداخته شده است.

بعد از دیگری، بحث شده‌اند.

شیوه دوم: در برخی کتابها به‌ویژه در شیعه پس از تقسیم خبر آحاد به چهار قسم (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) دیگر عموم اقسام حدیث در دو دسته ارئه می‌شوند:

یک دسته، احادیثی است که به دلیل اشکالاتی در سند یا متن، حکم به ضعف آنها داده می‌شود و با عنوان «اقسام حدیث ضعیف» آمده است و دسته دیگر، احادیثی است که با بررسی موردی آنها و با توجه به وضع سند یا متن ممکن است، صحیح، حسن، موثق یا ضعیف باشند. این دسته از احادیث، با عنوان «اقسام مشترک حدیث» یا «ما یشترک فیہ الاقسام الاربعه و لا یختص بالضعیف» آمده است.

شیوه سوم: این شیوه که کمتر مورد توجه پیشینیان بوده، آن است که اقسام حدیث را با توجه به مشابهت در لحاظ کردن ویژگیهای خاصی در سند یا متن طبقه‌بندی کنند. مثلاً آنکه معلق، مرسل، منقطع، معضل و مرفوع را که جملگی نوعی انقطاع در سند دارند، ذیل یک تقسیم و در یک دسته بیاورند. به نظر می‌رسد شیخ بهایی در شمار اولین مؤلفانی است که چنین شیوه‌ای را در وجیزه خود پی گرفته است. او اقسام حدیث را با توجه به ویژگیهایی دسته‌بندی می‌کند که از جمله آن اقسام خبر به اعتبار سند، راوی و مروی است. تقسیم او در دوره‌های بعد چندان مورد عنایت قرار نگرفته و تکامل نیافته است. در میان اهل سنت، عتر در منهج النقد تلاشی مشابه اما دقیق‌تر و مفصل‌تر انجام داده است.

هریک از شیوه‌های فوق محاسن و معایبی دارد:

شیوه اول به لحاظ ساماندهی مباحث، ساده‌ترین شیوه است و از هرگونه تکلف یا اختلاف در تقسیم نیز به دور است. این شیوه در صورت الفبایی بودن برای یک دانشنامه یا معجم، شیوه مناسبی است.

در شیوه دوم، با مبنا قرار گرفتن حکم حدیث، به اعتبار و جایگاه اقسام حدیث توجه شده است و خواننده از ابتدای مطالعه این اقسام، به ضعف بودن یا نبودن آنها توجه دارد. این رویکرد به اقسام حدیث، به روشنی جنبه‌های عمیق‌تر مباحث درایه را می‌نماید و خواننده را متوجه این واقعیت می‌سازد که دانش درایه صرف تعریف اصطلاح و اصطلاح‌شناسی نیست. در عین حال، از آنجا که شیوه تقسیم‌بندی بسیار کلی و فقط با دو عنوان اصلی است، به لحاظ فراگیری و آموزشی دیرپاب‌تر است و سخت‌تر در ذهن می‌ماند.

در شیوه سوم حکم و اعتبار حدیث، بعضاً مغفول می‌ماند، اما به لحاظ آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد: با فراهم آوردن امکان مقایسه بین اقسام حدیث و توجه به مشابهتها و تفاوتها فهم بهتر آن را میسر می‌سازد و یادگیری آن را تسهیل می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش شده بین دو شیوه اخیر جمع شود. با توجه به فواید آموزشی شیوه اخیر، ساختار کلی ارائه اقسام حدیث بر اساس همین شیوه سوم است. دسته‌بندیهایی که در این مجموعه ارائه شده، با لحاظ کردن کارهای پیشینیان، اما فراتر از آن است و تلاش شده تا حد امکان ریز و دقیق باشد. در عین حال برای استفاده از فواید شیوه دوم ذیل هر قسم یا در برخی موارد، یک دسته، با عنوان «حکم حدیث» وضعیت آن قسم به لحاظ ضعیف، صحیح، حسن یا موثق بودن آمده است. اقسام حدیث، همان‌طور که در شیوه دوم، توضیح داده شد، به لحاظ اعتبار معمولاً دو وضعیت خواهند داشت: یا به دلیل مشکلات سندی و متنی همواره محکوم به ضعف خواهند بود، و یا آنکه به حساب مصداق و مورد، وضعیت آنها ممکن است متفاوت باشد (صحیح، موثق، حسن یا ضعیف) که در این صورت از اقسام مشترک خواهند بود. البته در

موارد بسیار محدودی هم ممکن است آن قسم از حدیث، همواره یکی از سه حالت صحیح، حسن یا موثق باشد و ضعیف نباشد.

2. رعایت ساختار ثابتی برای ارائه هر اصطلاح

در بحث از هریک از اقسام حدیث، ابتدا معنای لغوی و سپس اصطلاحی، شرح تعریف، نمونه، حکم و کتابشناسی نمونه‌های آن، و در برخی موارد نمودار ارائه می‌شود. پی گرفتن یک ساختار ثابت، در ساماندهی مباحث و توجه همه‌جانبه به موضوع کمک می‌کند.

مباحثی که در ذیل اقسام طرح می‌شوند به شرح زیرند:

معنای لغوی: در ارائه معنای لغوی، تنها در صورتی که ارتباط معنای لغوی، و اصطلاحی روشن نباشد به وجه تسمیه اشاره شده است.

معنای اصطلاحی: در بیان معنای اصطلاحی، به چند نکته توجه شده است:

اول: پرهیز از نقل اقوال مختلف. در طول تاریخ دانش درایه، بعضاً معنای یک اصطلاح به تدریج تغییر یافته است لذا از یک اصطلاح تعاریف مختلفی مطرح شده است؛ همچنان که بعضاً هر عالمی با در نظر گرفتن برخی ملاحظات در تعریف یک اصطلاح تصرف کرده است. در برخی نگاشته‌های متأخر بدون آنکه این اقوال مختلف نقد و بررسی و نهایتاً گزینش شوند و یا بدون آنکه محدوده کاربردهای مختلف آنها تعیین شود، به صرف گزارش اکتفا شده است. اگر به این اختلاف، گونه‌گونی تعریف شیعه و اهل سنت را هم بیفزاییم، تنوع بسیار گسترده می‌شود.

این در حالی است که اختلاف گسترده در تعریف یک اصطلاح، از فایده آن می‌کاهد. لذا رسیدن به یک تعریف جامع و مشترک، در صورت امکان امری ضروری است که تحقق این هدف بدون تلاشی جمعی در نقد و بررسی میسر نیست و در نتیجه لازم است علت ترجیح یک تعریف و معنا بیان شود تا دیگران هم بتوانند با ارزیابی آن، در این فرایند شرکت جویند. برای پرهیز از طولانی شدن بحث و در عین حال جلوگیری از سردرگمی در نهایت اختصار و عموماً در پاورقی به این امر پرداخته شده است.

در نقل اقوال تلاش شده تا در صورت امکان یک تعریف انتخاب شود؛ در انتخاب تعریف، شایع بودن کاربرد آن معنا و نیز مقبول‌تر بودن تعریف نزد درایه‌نگاران ملاک گزینش بوده است. البته در برخی از موارد استعمال یک اصطلاح به چند معنا شایع بوده که به هر دو یا چند معنا اشاره شده است.

دوم: توجه به دیدگاه فریقین. با توجه به ارتباط بسیار وثیق بین درایه در شیعه و اهل سنت، توجه به قول هر دو گروه امری کاملاً ضروری است. در برخی موارد، پاره‌ای از دیدگاهها از اهل سنت وارد شیعه شده است بدون آنکه به تفاوت‌هایی مبنایی که در خصوص آن وجود دارد، توجه شود. همین امر ناهمگونی‌هایی را بعضاً موجب شده است. لذا در انتخاب معنای اصطلاحی به دیدگاه عالمان فریقین توجه شده است. در صورتی که یک اصطلاح، تعریفی کاملاً متفاوت در بین شیعه و اهل سنت داشته باشد، این تفاوت تبیین شده و حوزه معنایی اصطلاح عنوان شده است.

سوم: ارائه تعریف به عربی. در بیان معنای اصطلاحی، تعریف آن به عربی آمده تا دانشجویان ارتباط خود را با منابع اصلی، حفظ کنند.

در نهایت لازم است از تمام کسانی که در شکل‌گیری این اثر مساعدت داشته‌اند، کمال تشکر را بنمایم. از دانشجویان گرانقدر خانمهای فرجامی، بهادری و خلیلی و آقای شهیدی که در مراحل اولیه تدوین همکاری داشته‌اند، از جناب آقای دکتر هادی حجت که تذکرات سودمندی ارائه دادند، از جناب حجة الاسلام محمدکاظم رحمان ستایش که با حوصله و دقت تمام کار را مطالعه کرده و با ارائه پیشنهادهای سازنده به بهتر شدن این تحقیق یاری رساندند و از جناب حجة الاسلام محمدعلی مهدوی‌راد که در طول تحقیق از راهنمایی‌شان بهره‌مند بودم و با فراهم آوردن برخی منابع بهتر شدن این تحقیق را میسر نمودند، بی‌نهایت سپاسگزارم. نقادی و نکته‌سنجیهای استادان محترم و دانشجویان گرامی موجب کمال امتنان خواهد بود.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

شادی نفیسی - زمستان 84